

Comment [1M]: با سلام و احترام
مواردی که مورد نظر داور گرامی بود، انجام شد.
محدوده مقاله مشخص شد و عنوان شعری دوره های
مشروطه و نو حذف شد و اصلاحات اساسی در مقاله
صورت گرفت.

بررسی و تحلیل سیر تاریخی عنوان و عنوان‌گذاری در ادبیات منظوم فارسی (با تکیه بر آثار برجسته)

چکیده

اهمیت عنوان‌گذاری در آثار ادبی، بر کسی پوشیده نیست. هرچه عنوان زیبنده‌تر، هنری‌تر و چکیده‌تر باشد، به همان نسبت اثر را به نحو مطلوب، به خواننده می‌شناساند. در تاریخ نظم فارسی دری که از حدود هزار سال پیش آغاز شده، با این که شاعران کهن ما از فلسفه و اهمیت عنوان بی‌خبر نبودند و برای برخی از قصیده‌ها، عنوان‌های زیبا و هنری برمی‌گزیدند؛ بیش‌تر، شعر و سروده خویش را بدون عنوان به دست نسخه‌نویسان می‌سپردند. حجم بسیار سنگینی از سروده‌ها و نظم فارسی وجود دارد که تنها با عنوان دیوان و کلیات از آن‌ها یاد شده و با این که نمونه‌های ادبی (قصیده، غزل، قطعه و ...) ساخت و ساختارشان از چشم پدیدآورندگان پنهان نبوده، باز آن‌ها از دادن عنوان به آن نوع ادبی، پرهیز کرده‌اند. سبب این پرهیز هرچه باشد، موضوع سخن این مقاله نیست؛ موضوع ما عطف توجه به آن عنوان‌هایی است که به احتمال بسیار، نسخه‌نویسان و یا منتقدان بعدی به بسیاری از قصیده‌ها، قطعه‌ها و شکل‌های دیگر ادبی موجود در دیوان‌ها، بخشیده‌اند. نسبت دادن عنوان به شعرها، زمانی آغاز شد که شاعران و منتقدان و نسخه‌نویسان، احساس کردند که هر نوع ادبی، باید عنوانی داشته باشد. از این رو، از حدود دوره صفوی و پس‌تر در دوره قاجاریه، با بس‌آمدی قابل توجه، شعرها دارای عنوان گردید. اگر بخواهیم از این دیدگاه به یک تقسیم‌بندی عنوان‌گذاری دست یازیم، در دوره خراسانی و عراقی، حضور عنوان‌ها بایسته و ضروری نمی‌نموده است. در دوره تیموری و آستانه‌ی سبک هندی، در برخی از نسخه‌ها حضور عنوان‌ها رو به تزايد دارد. دوره بازگشت که مقارن با دوره قاجار است، به سبب آشنایی نویسندگان با ادبیات دیگر ملل جهان، در سیر عنوان نیز، تحولاتی رخ می‌دهد تا آنجا که در دوره مشروطه، به تقریب، بیش‌تر شعرها و سروده‌ها عنوان دارند. این مقاله، ضمن بررسی تفصیلی آن‌چه در سطرهای بالا آمد، به بررسی سیر عنوان و عنوان‌گذاری در دوره‌ها و آثار برجسته نظم فارسی، از کهن‌ترین آثار تا قرن نهم هجری پرداخته است.

کلید واژگان: عنوان، عنوان‌گذاری، آثار برجسته نظم فارسی، دوره‌های سبکی، تحول نظم فارسی

مقدمه

عنوان یک اثر ادبی، نخستین شاخص ارزیابی آن اثر است که می‌تواند نظر خواننده را برای آشنایی با محتوای متن برانگیزد، یا برعکس، خواننده را از خواندن آن متن منصرف سازد. همچنین، عنوان «مدخلی مهم است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت، چرا که بدون تردید خواننده می‌تواند از طریق آن به عالم متن وارد شود و از آن برای فهم متن کمک گیرد.» (رحیم، ۲۰۱۰: ۳۲۳). اهمیت عنوان‌گذاری بر آثار ادبی، بر کسی پوشیده نیست و در روزگار ما، هیچ مجموعه شعر یا اثر ادبی، بدون عنوان عرضه نمی‌شود. شاعران معاصر اغلب، نام‌های پرمفهومی را می‌پسندند که از روی فکر و اندیشه انتخاب شده باشند و این نکته می‌تواند بخشی از بار مفهومی شعر را به خواننده القا کند. از جمله این شاعران می‌توان فروغ فرخ‌زاد و سهراب سپهری و نصرت رحمانی را نام برد. تسری عنوان در هنرها، چنان اهمیتی یافته که نقاشان، پیکرتراشان، خطاطان، موسیقی‌دانان، از عرضه کردن اثر هنری خویش، بدون عنوان پرهیز می‌کنند. این نسبت، در جهان شعر و شاعری، از آن رو که شعر به ذات خود، از مجموعه هنرهای کلامی است، به وضوح بیش‌تری دیده

می‌شود. با این حال، چنان که در این گزارش به شرح خواهیم گفت، شاعران و نویسندگان ادبیات ما، به ویژه در دوره خراسانی، دوره عراقی و تا حدودی در آغاز دوره صفوی و سبک هندی، از عرضه کردن قصیده، غزل‌ها و دیگر انواع شعر بدون عنوان، باکی نداشتند.

در ادبیات کهن فارسی؛ با توجه به آثار مکتوبی که از سده چهارم هجری برجای مانده، می‌توان گفت که همه کتاب‌ها دارای عنوان بوده‌اند؛ اما از آن‌جاکه اشعار شاعران در یک مجموعه، تحت عنوان «دیوان» گرد می‌آمد؛ آن‌ها به شعرهای خود نامی نمی‌نهادند. اگر در نسخه‌های خطی، عنوانی در صدر شعری نشسته باشد، این کار، ربطی به شاعر آن شعر ندارد؛ این ناسخان، منتقدان و خوانندگان شعر در دوره‌های بعدی بودند که آن نوع‌های ادبی را بدون عنوان

نمی‌پسندیدند و به اقتضای محتوای شعر، به آن عنوانی می‌بخشیدند. برای نمونه، عنوان‌های دیوان سنایی غزنوی را می‌توان نام برد. مدرس رضوی در مقدمه‌ای که بر دیوان او نگاشته است، ذکر کرده که عنوان‌ها از ناسخان است. «ترتیب و تبویب کتاب معلوم نیست که از آن حکیم باشد» (مدرس رضوی، ۱۳۳۸: لو - لز). برخی از این عنوان‌ها عبارتند از: این توحید به حضرت غزنین گفته شد، در بیان استغناى معشوق لایزال و شوق ارباب حال فرماید (سنایی: ۱۳۳۸: ۱۶)، در مدح امین المله قاضی عبدالودود (بن عبدالصمد) فرماید (همان: ۱۹)، در توحید خداوند غفور و تسبیح طیور فرماید (همان: ۲۹). این نام‌گذاری در حیطه قصیده‌ها آن هم برخی از قصیده‌ها، منحصر ماند. برای غزل‌ها، قطعه‌ها، رباعی‌ها و دیگر انواع شعر، هیچ نامی و سرعنوانی انتخاب نمی‌کردند. عنوان‌گذاری به شیوه مصطلح امروزی، به تقریب، از آخر دوره صفویه و دوره بازگشت ادبی آغاز شد و در دوره مشروطه اهمیت بیش‌تری یافت تا به امروز که این روند هم‌چنان ادامه دارد و اهمیتش در حال حاضر به اوج خود رسیده است. مصحح آن، مرحوم مدرس رضوی

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق

تحقیق درباره ماهیت و کاربرد «عنوان» در یک اثر ادبی، نخستین بار مورد توجه غربی‌ها قرار گرفت و آن‌ها نخستین کسانی بودند که به این موضوع پرداختند. لیوهوک (Leo H.Hock) در سال ۱۹۷۳ کتابی با نام ویژگی عنوان تألیف کرد که در تبلور علم «عنوان‌شناسی» (The mark of the title) نقش بسیاری داشته است. این اثر بررسی جامعی در زمینه همه جنبه‌های دانش «عنوان‌شناسی» است. ژرار ژنت (Genette Gérard) در کتاب زمینه‌ها، پژوهش کاملی درباره «آستانه‌های ورود به متن» یا درگاه‌های ورود به متن ارائه کرده است که از اصلی‌ترین و کامل‌ترین منابع ارجاعی پژوهشگران در عنوان‌شناسی به حساب می‌آید.

در جهان عرب، کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی درباره عنوان نوشته شده است، از جمله:

[YM]Comment: قسمت اضافی حذف شد

[YM]Comment: نمونه‌های دیگر در «عنوان در قصیده» آمده است.

[YM]Comment: کامل و جامع به پیشینه پرداخته شد و کتاب‌ها در فهرست منابع ذکر گردید.

مقاله «متن موازی در رمان، استراتژی عنوان»، دکتر شعیب حلیفی، مجله الکرمل الفلستینیه، شماره ۴۶، سال ۱۹۹۶ م. نخستین مقاله‌ای است که عنوان را از نظر تاریخی و ساختاری به صورتی جامع بررسی کرده است و از مهم‌ترین منابعی است که پژوهشگران در تألیفات خود پیرامون عنوان بدان استناد کرده‌اند. اثر دیگر، کتاب الشعر العربی الحدیث دراسة فی المتنجز النصی (۱۹۹۸م)، تألیف رشید بحدیوی است. نویسنده یک فصل کامل از کتاب خود را به موضوع عنوان و وجود آن در اشعار کلاسیک معاصر، نقش عنوان در متن و نیز رابطه آن با متن اختصاص داده است و سپس به ذکر چند عنوان شعر از شاعران برجسته عرب پرداخته است. کتابی نیز با نام العنوان فی الشعر العربی (النشأة و التطور) (۱۹۹۸ م)، نوشته محمد عویس که تاریخچه عنوان را از آغاز پیدایش تا عصر حاضر بررسی و سپس درباره چند قصیده بحث کرده است. کتاب دیگر، با نام لسانیات النص نحو منهج لتحليل الخطاب الشعري (۱۹۸۸م)، از احمد مداس است. این کتاب به نقش عنوان در متن پرداخته و رابطه این دو را با هم بررسی کرده است. محمد فکری الجزار کتاب (۲۰۰۱م): لسانیات الاختلاف (الخصائص الجمالية المستويات بناء النص فی شعر الحدائث)، را نوشته است. او عنوان را از زاویه‌های مختلف بررسی کرده است. حسین خالد حسین، مؤلف کتاب نظریه عنوان (۲۰۰۷م)، پژوهشی جامع و کامل پیرامون عنوان ارائه داده و به تحلیل چندین عنوان ادبی پرداخته است. کتاب آستانه‌های ژرار ژنت از متن به فرامن تألیف عبدالحق بلعابد الذی نُشر عام (۲۰۰۸م)، کتابی پیرامون آستانه‌های متن است که به بررسی عنوان و سایر آستانه‌های متن از دیدگاه ژرار ژنت می‌پردازد. مقاله عبدالقادر رحیم «عنوان متن هنری؛ اهمیت و انواعش» (۲۰۰۸م) نیز یکی از مقاله‌های متمایزی است که عنوان را از چند جنبه بررسی کرده است. شفیع کدکنی در کتاب زمینه اجتماعی شعر فارسی (۱۳۸۶)، مقاله‌ای دارد که در آن اشعار معاصر عرب را با این رویکرد بررسی کرده است. او ضمن بررسی عنوان‌های شاعران معاصر عرب، کوتاهی و بلندی عنوان‌ها را محصول رمانتیسیم، رئالیسم و سمبولیسم می‌داند. مقاله محمد علی جبار و م.م. کوثر (۲۰۱۳م) با نام «عَبَّةُ الْعُنْوَانِ فِي قِصَصِ فَرَجِ يَاسِينَ الْقَصِيرَةِ جَدًّا - دراسة في بَنِيهَا التَّرَكِيبِيَّة»، مجله كلية التربية الاساسية، جامعه بابل، حیران، العدد ۱۲، درباره عنوان داستان‌های مینی‌مالیستی نوشته شده است. مقاله‌ای با نام «بررسی و تحلیل نام‌های اشعار قیصر امین‌پور» (۱۳۸۹)، نوشته مصطفی گرجی و افسانه میری، در جستارهای ادبی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱۶۷ چاپ شده، که به تحلیل عنوان‌های اشعار قیصر امین‌پور پرداخته است. نویسندگان در این مقاله، عنوان‌های قیصر امین‌پور را از نظر ساختاری و نیز محتوایی بررسی کرده‌اند. رساله‌ای با نام «بررسی دلالت عنوان در شش شاعر فارسی و عربی معاصر» (نیما، شاملو، شفیع، سیاب، مقالح، و درویش) (۱۳۹۲)، نوشته فاطمه بخت زبیر نظر دکتر سعید بزرگ بیگدلی در دانشگاه تربیت مدرس و به صورت تطبیقی نوشته شده است. این رساله، ضمن اینکه به بررسی عنوان‌های منتخب این شاعران می‌پردازد، به نقد و بررسی عنوان از دیدگاه نشانه‌شناسی نیز پرداخته است.

این آثاری که نام بردیم، اغلب به زبان‌های عربی و لاتین عربی نوشته شده‌اند و غیر از چند مقاله و یک رساله، پژوهشی در زبان فارسی درباره عنوان صورت نگرفته است. به ویژه درباره سیر عنوان و عنوان‌گذاری، در آثار منظوم فارسی مطلبی نوشته نشده است و جای این پژوهش مهم در ادبیات فارسی خالی است. تلاش نویسندگان این مقاله این است که به این مورد بپردازند.

۱- اولین منظومه‌های دارای عنوان در ادبیات فارسی

به‌درستی دانسته نیست که اولین عنوان‌ها در ادب فارسی، مربوط به کدام آثار است. با توجه به بررسی‌های انجام‌گرفته در کتاب‌های منظوم فارسی، می‌توان گفت نخستین کتاب منظوم فارسی دارای عنوان «شاهنامه»، اثر مسعودی مروزی است که در قرن سوم و چهارم هجری سروده شده است. (ر. ک، صفا، ۱۳۶۹، ج ۱: ۳۶۹). اما از آن‌جاکه نام‌گذاری شاهنامه بر اساس محتوای اثر است و شاهنامه سرایی، یک سنت ادبی محسوب می‌شود؛ می‌توان کتاب «کلیله و دمنه» رودکی سمرقندی را از اولین آثار منظوم فارسی دانست. «در همین قرن (قرن چهارم)، رودکی منظومه‌ای به نام کلیله و دمنه سروده است که مهم‌ترین اثر ادبی به شمار می‌رود» (همان: ۱۳۸۰). این کتاب نیز از کتاب‌های منظوم دارای عنوان است. «داستان‌های عاشقانه منظوم دیگری هم درین عهد داشته‌ایم که از برخی تنها ابیاتی پراکنده و از برخی دیگر نام و نشانی در دست است. مانند مثنوی «یوسف و زلیخا» منسوب به ابوالمؤید بلخی و مثنوی «آفرین‌نامه» از ابوشکور بلخی و مثنوی «وامق و عذرا» و «شادبهر و عین الحیاة» و «سرخ‌بت» و «خنگ‌بت» از عنصری» (همان: ۳۹۹). عنوان در قدیم‌ترین کتاب‌های منظوم فارسی که به دست ما رسیده است، وجود دارد و می‌توان گفت هیچ کتاب بدون عنوانی وجود نداشته است.

۲- شیوه‌های نام‌گذاری اشعار در گذشته

در گذشته، شاعران اغلب سروده‌هایشان را نام‌گذاری نمی‌کردند، باین‌حال، بی‌عنوانی شامل همه اشعار نمی‌شد. برخی از اشعار نام‌گذاری می‌شدند و این نام‌گذاری ممکن بود به دست ناسخان و تذکره‌نویسان و دیگران انجام شود نه خود شاعر. برای مثال، قصیده «ایوان مداین» خاقانی و قصیده «داغ‌گاه» فرخی در ادب فارسی، یا قصیده «بُرده» کعب بن زهیر و قصیده «قفا نبک» امرؤالقیس که در ادب عرب مشهور است. هم‌چنین شاعری چون خاقانی نیز برخی قصیده‌هایش را نام‌گذاری می‌کرده است، یا در مثنوی معنوی برخی از داستان‌ها و سخنان حکمت‌آموز عنوان‌هایی^۱ دارد که آن‌ها را، به احتمال زیاد، خود مولانا تعیین کرده است. مانند «حکایت مرد بقال و طوطی» (مولوی، ۱۳۷۱: ۱۵)، «قصه هدهد و سلیمان» (همان: ۵۷). همین‌طور نمونه‌هایی از این نام‌گذاری سروده‌ها را در کتاب‌های قدیم می‌توان یافت. برای نمونه در تاریخ بیهقی آمده: «(عبدالغفار گوید): من سخت بزرگ بودم، به دبیرستان قرآن خواندن رفتمی و خدمت کردم، چنان‌که کودکان کنند و بازگشتمی تا چنان شد که ادیب خویش را که او را سالمی گفتندی، امیر مسعود گفت: عبدالغفار را از ادب چیزی بیاید آموخت. وی قصیده‌ای دو سه از دیوان «متنبی» و «قفا نبک» مرا بیاموخت» (تاریخ بیهقی، ۱۳۸۰: ۱۷۶). نمونه دیگر به روایت از چهار مقاله است: «فرخی برخاست و به آواز حزین و خوش این قصیده بخواند که: «با کاروان حله برفتم ز سیستان...» پس فرخی خاموش گشت و دم درکشید تا غایت مستی امیر، پس برخاست و آن قصیده «داغ‌گاه» برخواند. امیر حیرت آورد» (عروضی سمرقندی، ۱۳۷۲: ۶۳-۶۴). مورد دیگر، قصیده مشهور ابن سیناست. «نسخ جداگانه این قصیده به عنوان «القصيدة العينية الروحیة فی النفس» در کتابخانه ملی ایران و کتابخانه‌های برلین و

Comment [۵M]: چند نمونه از عنوان داستان‌های مولوی ذکر شد.

منچستر و سلطان احمد سوم و حمیدیه و غیره موجود است» (صفا، ۱۳۶۹، ج اول: ۳۰۹) و به قصیده «عینیه» نیز مشهور است و از آنجاکه وصف کبوتر، نماد روح انسان است، «ورقائیه» نیز نام دارد. یا در دیوان خاقانی در برخی قصیده‌های وی که عنوان دارد، ناسخ برای مثال چنین نوشته است: «این قصیده را «نهیة الارواح و نهضة الاشباح» گویند، در حضرت کعبه معظمه انشاء کرده است. مطلع قصیده این است: شب‌روان در صبح صادق کعبه جان دیده‌اند // صبح را چون محرمان کعبه عریان دیده‌اند» (۱۳۳۸: ۸۸). هم‌چنین سرودهایی که در مراسم خاص خوانده می‌شد، عنوان داشتند: «سرودهایی که اهل همان شهر در ماتم سیاوش داشتند که مطربان آن‌ها را «کین سیاوش» می‌گفتند» (النرخشی، ۱۳۶۳: ۲۵).

به‌طورکلی، شیوه‌های نام‌گذاری سروده‌ها را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱-۲- بر اساس مصراع یا بیت اول

در بیش‌تر موارد مطلع قصیده‌ها جای عنوان را می‌گرفت. این شیوه مرسوم‌ترین روش نام‌گذاری از گذشته تا به امروز بوده است. این شیوه در گذشته برای تمام غزل‌ها و بیش‌تر قصاید کاربرد داشته است. مانند قصیده «بوی جوی مولیان آید همی»، از رودکی، یا غزل «الا یا ایها الساقی أدر کأساً و ناولها» از حافظ. اگر تذکره‌نویسان و افراد دیگر می‌خواستند شعری را نام ببرند، مصراع اول شعر یا چند بیت از آن را ذکر می‌کردند. برای نمونه، در «لباب الالباب» عوفی آمده است: «(جلی شاعر) ادیبی بود کامل ... و هیچ سوار میدان بیان، گرد جواد قریحت او نشتافت و اتفاقست این قصیده که گفته است: مصرع: «که دارد چون تو معشوقی نگار و چابک و دلبر؟» کس از فضلا نقدی چنین به معیار قریحت نسنجیده است و در خاطر هیچ فصیح مثل این نگنجیده و در مطلع این قصیده صفت هلال عید می‌کند: ز عید داد خبر خلق را طلوع هلال / به آخر رمضان و به اول شوال ...» (۱۳۳۵: ۳۲۱).

این ذکر بیت یا مصراع اول، شایع‌ترین روش نام‌گذاری در گذشته بوده است و تا به امروز هم کاربرد دارد. در گذشته حتی برای نام‌گذاری سوره‌های قرآن نیز، یک روش مرسوم ذکر آیه نخست بوده است، چنان‌که علامه محمد حسین طباطبایی مفسر بزرگ قرآن کریم می‌گوید: «گاهی جمله‌ای از اول سوره ذکر نموده، معرف آن سوره قرار می‌دهند، چنان‌که گفته می‌شود: «سوره اقرأ باسم ربک» و «سوره انا أنزلناه» و «سوره لم یکن» و...» (ربیع نتایج، ۱۳۸۸: ۲۳). با بررسی دیوان شاعران معاصر، مشاهده شد که روش مذکور هنوز جایگاه مهمی در نام‌گذاری سروده‌ها دارد و این شاعران بیش‌ترین نام‌گذاری‌ها را از بیت اول، و در شعر نو از سطر اول گرفته‌اند، مانند سیمین بهبهانی که عناوین شعری‌اش (بیش از نود درصد) را از مصراع اول گرفته است. مانند عنوان «دانم ای دل»: دانم ای دل! خسته‌ای، سرگشته‌ای، آواره‌ای / چاره می‌جویم تو را، اما بگو، کو چاره‌ای ... (۱۳۸۲: ۶۹۳).

۲-۲- بر اساس حروف آخر قافیه

نام‌گذاری شعر بر اساس حروف آخر قافیه، در زبان عربی رواج بیش‌تری دارد. از آنجاکه در ادب فارسی قصاید و غزلیات مردف بسیار زیاد است، این روش کاربرد زیادی ندارد. ولی گاهی به تبعیت از ادب عرب، قصیده‌ها را با توجه به قافیه نام‌گذاری می‌کردند. قصیده‌های بائیه، تائیه، رائیه، لامیه از جمله این نام‌گذاری‌هاست. برای نمونه «جمال‌الدین

محمد بن ابوبکر قوامی مطرزی، قصیده رانیه در یک صد بیت ساخته است» (صفا، ۱۳۶۹، ج ۳: ۸۵)؛ یا غضایری رازی، «لامیه‌ای» دارد که در مدح سلطان محمود سروده است؛ با مطلع:

اگر کمال به جاه اندرست و جاه به مال مرا ببین که ببینی کمال را به کمال

(به نقل از تاریخ ادبیات صفا، ۱۳۶۹، ج اول: ۱۳۴)

۲-۳- بر اساس محتوا و موضوع

اشعار در گذشته، با توجه به مضمون و محتوا نیز نام‌گذاری می‌شده‌اند؛ مانند شاه‌نامه، الهی‌نامه، خدای‌نامه، ساقی‌نامه، ظفرنامه، پندنامه، مغنی‌نامه، اخوانیات، ملتسمات، و ... البته این شیوه، یک عنوان‌گذاری عام و کلی محسوب می‌شده، و شامل یک دسته کتاب‌ها و سروده‌ها با محتوای یکسان می‌شد، که برای خاص شدن، در کنار عنوان عام، نام نویسنده نیز ذکر می‌شد؛ همچون الهی‌نامه عطار، الهی‌نامه سنایی، یا حتی نام‌های خاصی نیز برایشان انتخاب می‌کردند؛ مانند لهراسب‌نامه، گشتاسب‌نامه، ارداویراف‌نامه. شفیع کدکنی می‌گوید: «مقوله‌ای به نام «ملتسمات» در طبقه‌بندی موضوعی شعرها بوده است» (۱۳۸۶: ۳۱۰).

۲-۴- بر اساس شکل و ساختار

اشعار با توجه به شکل و ساختارشان به رباعی، قصیده، غزل، دوبیتی، مثنوی، و ... تقسیم می‌شده و این خود روشی برای نام‌گذاری اشعار به حساب می‌آمده است. گاهی حتی یکی از این نام‌ها خاص می‌شد. مانند، مثنوی مولانا.

۲-۵- بر اساس ردیف

در گذشته گاهی شعر را بر اساس ردیف نام‌گذاری می‌کردند. این شیوه نام‌گذاری، امروز نیز رایج است. در کتاب لباب الالباب عوفی آمده است: «حسام الدین نسفی» شاعر با خاقانی دیداری در ری داشته است. حسام الدین به زیارت او رغبتی کرد و به نزدیک او شد و عمر نوقانی که استاد قرا و داوود دل‌ها بود، در خدمت او برفت و چون به محاوره یکدیگر انسی گرفتند، خاقانی پرسید که مولانا را لقب چیست؟ عمر نوقانی گفت: شرف‌الدین حسام که به حسام بیان، حق را شرح و باطل را شرحه کند. گفت (خاقانی): صاحب «نشکند؟» مطلع قصیده حسام الدین این است: هرگز نگار طره به هنجار نشکند // تا بار عشق پشت خرد زار نشکند / پروین فشان نگرده چشم جهان‌فروز // تا نوش خنده مهر لب یار نشکند (ر. ک عوفی، ۱۳۳۵: ۱۶۵ - ۱۶۸).

[VM]Comment: دوباره به کتاب مراجعه شد. این واژه، همین گونه در متن آمده است

همان‌طور که گفتیم این شیوه نام‌گذاری، امروز نیز وجود دارد. بسیاری از سروده‌های شاعران معاصر، با ردیفشان نام‌گذاری شده‌اند. مانند برخی اشعار بهار، شهریار، سیمین بهبهانی، و ... در دیوان شهریار این عنوان‌ها از ردیف گرفته شده است: «قیام محمد» (دیوان، ۱۳۶۸: ۶۸)، «حالا چرا» (همان: ۷۹)، «لب» (همان: ۹۸)، «حسرت عاشق» (همان: ۱۰۱)، «خبری نیست که نیست» (همان: ۱۳۳)، ... شاعری مانند نسیم شمال، بیش از یک‌سوم نام شعرهایش را از ردیف گرفته است.

از شیوه‌های دیگر نام‌گذاری، می‌توان به نام‌گذاری بر اساس مکان سرودن شعر و بر اساس زمان سرودن شعر اشاره کرد.

۳- زران‌دود و برجسته کردن عنوان کتاب‌ها

عنوان در گذشته نیز اهمیت داشته است. دلایل اثبات این سخن، توجه وافر است که نویسندگان و ناسخان در گذشته به عنوان داشته‌اند. به این صورت که:

۱- عنوان‌ها با رنگی متفاوت از متن و اغلب با رنگ‌های قرمز و زرد و گاهی طلاکوب بود؛

۲- عنوان‌ها اغلب با خطی متفاوت از متن نوشته می‌شدند؛

۳- عنوان‌ها را گاهی درون کادرهایی قرار می‌دادند تا در نگاه نخست به چشم بیاید.

برای نمونه در مقدمه دیوان انوری آمده است: «عناوین اشعار یک در میان به سرخی و به طلا نوشته شده است» (مقدمه دیوان، ۱۳۳۷: ۵۱). مدرس رضوی، مصحح دیوان سنایی می‌گوید: «نسخه متعلق به فاضل محترم آقای پارسای تویسرکانی، صفحه آن دارای سرلوح و صفحات دیگر با جدول‌های طلا و عناوین بعضی طلا...» (۱۳۵۴: ۱۴۹). مصحح مثنوی «همای و همایون» از خواجه کرمانی، می‌گوید: «نسخه د، ترنج قشنگی به رنگ لاجورد و سفید و طلا، این دست‌نویس را زینت می‌دهد. باب‌ها و فصل‌ها همه از اول تا آخر با عنوان‌های خاصه شروع می‌شوند و از این جهت هم می‌توان گفت که این نسخه خطی، یک نمونه جالب هنر تزیینی کتاب آن زمان، یعنی نیمه قرن هشتم هجری است» (۱۳۷۵: ۲). آقای مصطفوی مصحح کتاب مهر و مشتری، در مقدمه کتاب می‌نویسد: «عنوان‌های منظومه داخل کادر مستطیلی قرار داده» (مقدمه، ۱۳۷۵: ۲). نمونه دیگر: «در سرلوح مذهب کتاب با سفیداب بر قسمت طلایی آن نوشته شده است: «دیوان افصح المتکلمین عبدالواسع جبلی»» (مقدمه، ۱۳۶۱: ۵). همه این موارد ذکر شده، بیان‌گر این است که عنوان اهمیت زیادی در ادب فارسی و در آثار گذشته ما داشته است و نویسندگان برای برجسته نمودن عنوان‌ها و جلب توجه خواننده در نگاه اول، به این کارها دست می‌زدند.

۴- تغییر عنوان‌ها به سلیقه مردم

ذوق و سلیقه مردم، در تغییر عنوان کتاب‌ها و سروده‌های بسیاری از بزرگان ادب فارسی مؤثر بوده است. شفیعی می‌گوید: «ذوق جامعه گاه از این تصرف‌ها در شعر بسیاری از بزرگان نظیر فردوسی و نظامی و مولوی و حافظ نیز دارد که از منظر «reader-response» که امروزه در مطالعات ادبی فرنگی جایگاه بسیار مهمی پیدا کرده است، باید مورد بحث جداگانه قرار گیرد» (۱۳۸۷: ۸). باید گفت ذوق و سلیقه مردم در تغییر عنوان کتاب‌ها و سروده‌های بسیاری مؤثر بوده است. برای نمونه عنوان قصیده ابن سینا «القصيدة العينية الروحانية في النفس» است، این قصیده به «عینیه» نیز مشهور است و از آنجاکه وصف کبوتر، نماد روح انسان است، «ورقائیه» نیز نام دارد. از آنجاکه نام‌گذاری سروده‌ها در گذشته خیلی مرسوم نبوده است، بیش‌تر مثال‌ها را از نام‌گذاری کتاب‌ها آورده‌ایم. مصحح کتاب بوستان می‌گوید: «این را هم باید افزود که در نسخه‌های قدیم اسم کتاب «سعدی‌نامه» است که گویا آن را هم سعدی خود انتخاب نکرده باشد و به حدس مرحوم محمد علی فروغی، کار استنساخ‌کنندگان تواند بود و پس از آن اهل ذوق اسم «بوستان» را به قرینه

«گلستان»، برای این کتاب اختیار کرده‌اند و چندان هم بی‌مناسبت نبوده است» (سعدی، ۱۳۶۹: ۲۶). البته باید گفت مردم اغلب نام کتاب‌های عامیانه خود را که مورد علاقه‌شان نیز بود تغییر می‌دادند. از جمله می‌توان به منظومه‌های داستانی که مورد اقبال مردم بود اشاره کرد؛ برای مثال کتاب «مهر و مشتری» از عصار تبریزی. در مقدمه کتاب آمده است: «نامی که خود عصار بر منظومه نهاد «عشق‌نامه» بود که البته بعدها به دلیل قهرمانان اصلی داستان به «مهر و مشتری» شهرت یافته است» (مقدمه، ۱۳۷۵: ۳). نمونه دیگر مثنوی داستانی «شمسه و قهقهه»، تألیف برخوردار بن محمود ترکمان فراهی است. در مقدمه کتاب آمده است: «چون خود مؤلف در دیباچه سخنی از نام «شمسه و قهقهه» به میان نمی‌آورد، چنین می‌نماید که این نام اخیر را دیگران، یعنی نسخه‌نویسان یا احیاناً ناشران قدیم بر روی کتاب گذاشته باشند و نیز نام «شمسه و قهقهه» جلوه‌ای اسرارآمیز دارد و بیش از نام «محبوب القلوب» می‌تواند رغبت خاطر عام را به مطالعه کتاب برانگیزد. گویا به همین جهت است که در منابع مختلف نیز نامی از این مؤلف و کتاب او دیده می‌شود، غالباً کتاب به نام «محبوب القلوب» معرفی شده و نام «شمسه و قهقهه» عنوان فرعی کتاب است» (مقدمه، ۱۳۳۶: ۳).

۵- نگاهی به عنوان انواع شعر فارسی

۱-۵- عنوان در غزل

غزل‌ها در همه ادوار شعر فارسی و در همه دیوان‌ها بدون عنوان بوده‌اند. در دوره مشروطه و بعد از آن است که غزل‌ها عنوان‌های لطیف و زیبایی می‌یابند.

۲-۵- عنوان در قصیده

با بررسی دیوان شاعران گذشته، می‌توان مشاهده کرد که بیش‌تر قطعه‌ها و قصیده‌ها عنوان دارند. به عبارت بهتر بر اغلب آن‌ها «سرعنوانی» وجود دارد، نه عنوان به معنای مصطلح امروزی. البته در میان آنها می‌توان عنوان‌های زیبا و فاخر را نیز یافت، ولی نام‌گذاری به شیوه امروزی متداول نبوده است. برای نمونه در دیوان خاقانی، برخی قصیده‌ها عنوان دارند. مصحح دیوان او آقای سجادی می‌نویسد: «بعضی قصاید دارای سرلوحه و عنوان است» (۱۳۳۸: ۶۸). یکی از این قصاید، که در مرثیه فرزند خویش، رشیدالدین سروده است؛ قصیده‌ای است که به شهادت سرلوحه نسخ خطی «ترنم المصاب» نام دارد. مطلع این قصیده این‌ست: صبح‌گاهی سر خوناب جگر بگشایید / ژاله صبح‌دم از نرگس تر بگشایید ... (همان: ۱۵۸)؛ عنوان قصیده‌های دیگر او «حرز الحجاز» (همان: ۹۵)، «کنز الکرار» (همان: ۱۰۰)، «باکوره الاسفار و مذکوره الاسحار» (همان: ۲۱۵) و ... است.

با تحقیق فراوان و مراجعه به دیوان شاعران در این باره، مشخص شد که قصیده‌ها و قطعه‌ها در همه قرن‌ها، عنوان داشته‌اند. در اغلب موارد ناسخان و بعضاً مصححان این قصیده‌ها را عنوان‌گذاری کرده‌اند. گاه عنوان‌هایی به صورت توضیح در ابتدای قصیده و قطعه آمده است. این شیوه در نخستین دیوان‌ها تا شاعران دوره مشروطه و حتی بعد از آن نیز دیده می‌شود. برای نمونه، در دیوان امیر معزی برخی عنوان‌ها بدین گونه است: در تهنیت وزارت خواجه معین الدین

[AM]Comment: این قصیده به همین صورت نوشته شده است.

مختص الملك ابونصر احمد بن فضل بن محمود کاشی، وزیر سلطان سنجر که در ۵۱۸ به این مقام رسید (۱۳۶۲: ۱۱۸). در تهنیت عید و بهبودی یافتن سنجر (همان: ۲۷۴)، در تبریک فتح سلطان (همان: ۲۸۶)، ...

از شاعران دوره بازگشت، می‌توان قآنی را مثال زد. عنوان‌های او از این قرارند: در تهنیت عید صیام عرض کرده (۱۳۳۶: ۱۲) / در تهنیت ولادت با سعادت حضرت صاحب‌الامر علیه السلام عرض کرده (همان: ۱۴) / در تهنیت بهار و عید نوروز عرض کرده (همان: ۱۵)، در تهنیت عید رمضان و مدح صدر عهد گوید (همان: ۲۳)، ... البته گاهی نشانه‌هایی دلالت دارد بر اینکه عنوان‌ها را خود شاعر برگزیده است؛ برای نمونه مصحح دیوان تأثیر تبریزی (ولادت ۱۰۶۰ ه. ق) بیان می‌دارد: «قراین و شواهدی موجود است که نشان می‌دهد این نسخه یا توسط خود شاعر نگارش یافته و نسخه اصلی است یا لااقل از روی نسخه اصلی استنساخ شده است» (دیوان، ۱۳۷۳: ۲۴)؛ مثلاً در عنوان بعضی از قطعات نام شاعر مذکور یا شاعر به خود اشاره کرده است. برای مثال: در قطعه‌ای آمده است: «تاریخ قنات تأثیرآباد که احدائی بنده درگاه است» (همان: ۵). یا در صفحه پنجاه، در قطعه‌ای با عنوان «در اتمام نرگس‌دان ذبیحی که به خواهش بنده درگاه نظم نموده». به همین ترتیب در صفحه ۱۰۳، به نظر می‌آید که عنوان‌ها از خود شاعر است. نمونه دیگر شاعری به نام محمد علی بیگدلی آذری (ولادت ۱۳۱۶ ه. ق) از شاعران معاصر است. وی در دیوانش نوشته است: «در رثای پدرم، جناب هادی‌بیگ ولی آذری، ساخته و پرداخته گردید» (۱۳۸۰: ۳۲۵). این رباعی به دوست فقیدم و سید حسین خوانساری تقدیم شد» (همان: ۳۲۶). یا در سرعنوانی قصیده‌ای نوشته است: «وصف حالی است به اکتفای علامه فقید جلال الدین همایی «سنا» (همان: ۳۷۲).

نخستین کسی که برای قصیده‌ها و قطعه‌ها و تاحدودی برای غزل‌هایش، عنوان‌های زیبا و به معنای مصطلح و واقعی انتخاب کرد؛ شاعری به نام داوری شیرازی (متولد ۱۲۳۸ ه. ق) است. قصاید او همه عنوان دارند. عنوان‌هایی که خود شاعر انتخاب کرده و به نحوی هنری هستند. مانند «آهوی شهر».

ای ترک من، ای همسر یک دشت سوارا / چندین چه بری رنج سواری به شکارا // صحرا ز پی صید و شکارست و تو در شهر / بیش است شکارست ز هزار و دو هزارا (۱۳۸۰: ۴۰).

برخی دیگر از عنوان‌های او عبارت است از «غریب دیار» (همان: ۱۰۹)، «یاد وطن» (همان: ۱۱۳)، «باد خزان» (همان: ۱۲۲)، «شکایت دلبر» (همان: ۱۲۶)، «در وطن غریب» (همان: ۱۳۱)، «ترک خیمه‌نشین» (همان: ۱۳۶)، «نگار من» (همان: ۱۳۹)، «نگار عریان» (همان: ۱۷۲)، «فراق» (همان: ۱۹۵)، «شکن زلف و زلزله» (همان: ۱۹۸)، «نوبهار» (همان: ۲۱۱)، «بار لاغر» (همان: ۲۷۶)، «گیسوی عنبرین» (همان: ۲۷۷).

۳-۵- عنوان در مثنوی‌ها

۳-۵-۱- مثنوی‌های داستانی

مثنوی از قالب‌های ویژه ایرانی است که از قدیم‌ترین روزگاران در شعر فارسی وجود داشته است. شاعران بزرگی مانند مسعودی مروزی، رودکی، عنصری و دیگران به سرودن شعر در این قالب پرداخته‌اند. عنوان در تمامی مثنوی‌ها و در

Comment [1+M]: البته ما در چند جای مقاله اشاره کردیم که منظور ما از عنوان، به معنای مصطلح امروزی نیست و شاید توضیحی که در آغاز متن آمده است را بتوان سرعنوانی دانست.

همه دوره‌ها وجود دارد و اینکه در ابتدای متن و در هر قسمت از قسمت‌های مثنوی‌ها توضیحاتی در سرعنوانی می‌دادند؛ مرسوم و معمول بوده است. ممکن است این عنوان‌ها از خود شاعر باشد و یا از ناسخان و مصححان باشد؛ اما همیشه وجود داشته است. می‌توان گفت: عنوان مثنوی‌ها از نظر ساختاری یکسان هستند. نام خدا و ستایش او، بعد ستایش پیامبر، تقدیم کتاب به ممدوح، متن کتاب، خاتمه کتاب. ولی کیفیت عنوان در همه مثنوی‌ها یکسان نیست. در برخی از مثنوی‌ها کوتاه و ساده است. در برخی مسجع و موزون و بلند. در برخی از مثنوی‌ها، عنوان‌ها عربی و یا آمیخته به عبارات عربی است و فاضل‌مآبانه است. در این‌که این عنوان‌ها کار خود شاعر است و یا ناسخان، باید بگوییم که اغلب کار شاعران نیست؛ بلکه کار کاتبان و ناسخان است. فروغی در مقدمه بوستان می‌نویسد: «در نسخه‌های خطی عنوان قسمت‌های مختلف بوستان با هم فرق دارد و گویا اکثر آن‌ها از کاتبان است و معلوم نیست سعدی خود برای آن‌ها عنوان‌هایی قائل بوده است یا خیر» (سعدی، ۱۳۶۳: ۲۶). ولی در برخی دیگر مانند مثنوی مولانا، مثنوی‌های جامی، چنان عالی و فخیم و مسجع و وزین است که خواننده نمی‌تواند به قاطعیت بگوید که کار ناسخان است و به احتمال قریب به یقین کار شاعر است. حتی عنوان‌های حدیقه سنایی. گرچه مصحح آن، مرحوم مدرس رضوی ذکر کرده که عنوان‌ها از ناسخان است. «ترتیب و تبویب کتاب معلوم نیست که از آن حکیم باشد» (مدرس رضوی، ۱۳۶۸: لو - لز). ما با مراجعه به بسیاری از مثنوی‌ها به این نتیجه رسیدیم که عنوان‌های فرعی، در مثنوی‌های قرن‌های چهارم و پنجم، اغلب کوتاه و ساده است. مثنوی‌هایی مانند شاهنامه فردوسی، در دفتر اول شاهنامه، چنین آمده است: «گفتار اندر ستایش خرد» (شاهنامه، ۱۳۸۶، دفتر اول: ۴)، «گفتار اندر وصف آفرینش عالم» (همان: ۵)، «گفتار اندر آفرینش مردم» (همان: ۷)، «گفتار اندر آفرینش آفتاب و ماه» (همان: ۸)، «گفتار اندر ستایش پیغمبر» (همان: ۹)، «گفتار اندر فراهم آوردن شاهنامه» (همان: ۱۱)، «گفتار اندر داستان ابومنصور دقیقی» (همان: ۱۲)، «گفتار اندر داستان مهربان دوست» (همان: ۱۳)، «گفتار اندر ستایش امیرک منصور» (همان: ۱۴)، ...

عنوان‌های شاهنامه، کوتاه و خیلی آراسته و پیراسته و بدون سجع است. به‌ندرت اشاره‌ای به مواقع داستان و متن می‌کند. دیگر مثنوی‌های این دوره نیز چنین است. مانند: ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، پنج گنج نظامی، گرشاسب نامه اسدی توسی، برزنامه عطاء بن یعقوب، ... مثال برای این نوع مثنوی‌ها از «ویس و رامین»: «بسم الله الرحمن الرحیم و ستایش پروردگار» (اسعد گرگانی، ۱۳۴۹: ۱۵)، «اندر ستایش محمد مصطفی علیه السلام» (همان)، «اندر ستایش ابوطالب طغرل بک» (همان)، «اندر ستایش خواجه ابونصر منصور بن محمد» (همان: ۱۶)، «آغاز داستان ویس و رامین» (همان: ۳۱)، «خواستن موبد شهرو را و عهد بستن شهرو با موبد» (همان: ۳۸)، ...

عنوان در این کتاب‌ها کوتاه است، هرچند که در نسخه‌های مختلف متفاوت باشد؛ ولی عنوان‌های کوتاه اصیل‌تر هستند. برای نمونه، شفیعی در مقدمه کتاب «منطق الطیر» در توضیح عنوان داستان‌ها می‌گوید: «ریتر (مصحح کتاب)، یادآور شده است که ... در نسخه‌های دیگر تنها به کلمه «حکایت» اکتفا شده است و گمان مصحح این است که در خط شاعر هم بیش از این نبوده است» (۱۳۸۲: ۶۵). نمونه دیگر، مدرس رضوی درباره عنوان‌های دیوان سنایی می‌گوید: «عنوان‌ها بسیار ساده و اغلب در قصاید مدحی نام ممدوح با القاب کمی ذکر شده است» (سنایی، ۱۳۵۴: ۱۴۹). اغلب

عنوان‌های ساده در تمام قرن‌ها، به کتاب‌ها و منظومه‌های داستانی اختصاص دارد؛ این در حالی است که کتاب‌های عرفانی، حکمی و علمی، حتی در قرن‌های چهارم و پنجم نیز طولانی و پیچیده هستند. عنوان مثنوی‌ها، از قرن‌های شش و هفت و هشت به بعد دچار تغییر می‌شوند. تغییر محسوس همان بلند شدن عنوان‌هاست. اگر شاعر در گذشته در پایان کتاب می‌نوشت «در انجام کتاب» (ویس و رامین، ۱۳۴۹: ۵۳۴). در این دوره‌ها می‌نویسد: «خاتمه در بیان شرافت این نظم پرشور و تنبیه بعضی از مدهوشان باده‌عجب و غرور» (فقیر دهلوی، ۱۳۵۴: ۲۵۶). تغییر دیگر فاضل مآبانه نوشتن و مسجع و موزون ساختن عنوان‌هاست. گاهی این مطلب در کیفیت عنوان داستان‌ها نیز صدق می‌کند. مانند: مثنوی «واله و سلطان» هرچند داستانی است، ولی عنوان‌هایش هم بلند است و هم مسجع و موزون.

مثنوی واله و سلطان: «التجاء به جناب ولایت مآب آوردن و همت در طریقت از آن فارس میدان حقیقت طلب کردن» (فقیر دهلوی، ۱۳۵۴: ۱۴)، «نمک سخن را به تعریف عشق شورانگیز فزودن و شمه‌ای از سر کارش وانمودن» (همان: ۱۶)، «در سبب نظم کتاب گوید:» (همان: ۱۹)، «استمداد جستن از حضرت دل که کارفرمای عالم آب و گل است» (همان: ۲۷)، ... «خاتمه در بیان شرافت این نظم پرشور و تنبیه بعضی از مدهوشان باده‌عجب و غرور» (همان: ۲۶۳).

به‌طورکلی می‌توان گفت: در مثنوی‌های داستانی عنوان کتاب‌ها ساده است. یعنی بیش‌تر اوقات اسم یک یا دو نفر (اغلب اسم‌های زوج) از شخصیت‌های داستان، نام داستان‌های منظوم را تشکیل می‌دهد. در این میان حتی‌المقدور سعی شده است که این نام‌ها موزون باشد. مثل «همای و همایون»، «جمشید و خورشید»، «ناظر و منظور»، «مهر و مشتری»، «بلوهر و بوذاسف».

۵-۳-۲- مثنوی‌های حکمی و دینی

عنوان مثنوی‌های حکمی و دینی و عرفانی را به دلایلی می‌توان متفاوت از مثنوی‌های داستانی دانست. این عنوان‌ها اغلب مسجع و موزون‌اند و آراسته به آیات و احادیث و عبارات عربی هستند. فاضلان و عالمانه‌تر از عنوان مثنوی‌های داستانی‌اند. در برخی موارد، می‌توان گفت که عنوان‌ها از خود شاعر است. البته همیشه این سخن صادق نیست. می‌توان از مخزن الاسرار نظامی نام برد که عنوان‌هایش بسیار کوتاه و ساده‌اند و به احتمال زیاد، عناوین از خود شاعر نیست. مانند: «مناجات اول» (نظامی گنجوی، ۱۳۷۰: ۱۶۳)، «مناجات دوم» (همان: ۱۶۹)، «در نعت رسول اکرم (ص)» (همان: ۱۷۱)، «در معراج» (همان: ۱۷۶)، «نعت اول در ستایش پیغمبر صلی الله علیه وسلم» (همان: ۱۸۸)، «نعت دوم در ستایش رسول اکرم (ص)» (همان: ۱۹۴)، «مدح ملک فخرالدین بهرام شاه» (همان: ۲۱۷)، «در سبب نظم کتاب فرماید:» (همان: ۲۲۷)، ... «خلوت اول» (همان: ۲۶۰)، «در مشاهده حقیقت» (همان: ۲۶۸)، ...

به‌طورکلی می‌توان گفت که سادگی و کوتاهی، ویژگی غالب این عنوان‌ها نیست. برای نمونه؛ حدیقه سنایی از همین دسته است. عنوان‌های حدیقه سنایی: «فصل فی المعرفة» (سنایی، ۱۳۶۸: ۶۳)، «فصل اندر وحدت و شرح عظمت»

Comment [۱۱۱]: مثنوی‌های داستانی، عنوان‌های ساده‌تر و کوتاه‌تر دارند که به صورت فارسی هستند. این در صورتی است که مثنوی‌های حکمی و عرفانی از همان ابتدا یعنی قرن‌های چهارم و پنجم، متفاوت‌تر هستند و به صورت مسجع و موزون و آراسته به واژه‌های عربی هستند. گاهی هم کل عنوان به صورت عربی آمده است. از این جهت است که به صورت جداگانه بررسی شده‌اند.

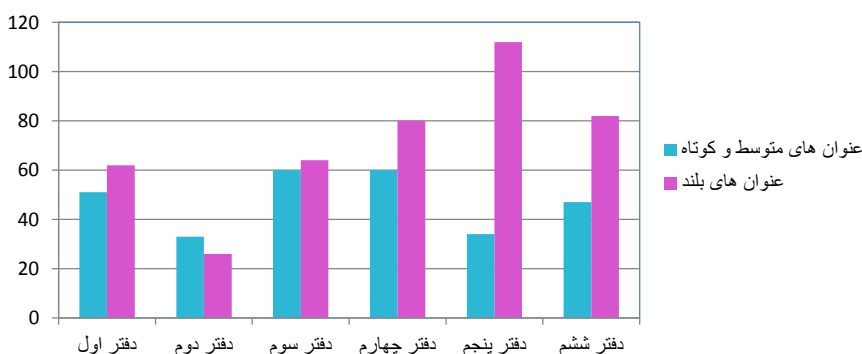
(همان: ۶۴)، «التمثيل في شأن من كان في هذه أعمى فهو في الآخرة أعمى جماعة العميان و أحوال الفيل» (همان: ۶۹)، «مَنْ آمَنَ بِطَاعَتِهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (همان: ۱۳۲)، «في الحركة و ترك الاوطان في طلب الاخرة، قال النبي عليه السلام: أطلبوا العلم و لو بالصَّيْن و قال عليه السَّلام: سافروا و إغنموا، و لا تفتخروا بالوطن» (همان: ۴۷۵)، «الجهل داءٌ بلا دواءٍ و الحماق حفرةٌ بلا عمق» (همان: ۲۸۹)، «من زهد في الدنيا و جد ملكاً لا يبلى» (۱۳۳)، «في صفة الزهد و الزاهد» (همان: ۱۳۳)، «قال النبي صلى الله عليه وسلم: فرغ الله تعالى عن الخلق و الخلق و الأجل و الرزق التمثيل في نحن قسمننا» (همان: ۱۳۶)، ...

اغلب عنوان‌های حدیقه کوتاه هستند. ۲۸ درصد از عنوان‌ها عربی است. می‌توان گفت که عنوان‌های حدیقه، سرمشقی برای مثنوی مولاناست. عنوان‌های این دو کتاب شباهت‌هایی با هم دارند. گاهی در عنوان‌های هر دو کتاب، عنوان‌ها نتیجه و تکمیل‌کننده متن است؛ غیر از اینکه عنوان‌های مولوی گاهی بسیار بلندند.

۵-۳-۲-۱- عنوان‌های مثنوی مولانا

عنوان‌های مثنوی خاص‌ترین و برجسته‌ترین عنوان‌ها در میان کل مثنوی‌هاست. کتاب مثنوی مولانا از نظر نام‌گذاری هم متفاوت است. نام عام مثنوی برای این کتاب خاص شده است. دیگر این‌که، طبق عرف مثنوی‌های دیگر با «بسم الله الرحمن الرحيم» و نعت پیامبر و ... آغاز نمی‌شود. عنوان‌ها از طولانی‌ترین عناوین در تمام مثنوی‌های فارسی هستند. عنوان‌های مثنوی، هنری و زیبا و شبیه به متن‌های ادبی و کم‌تر گزارش گونه است. عنوان‌ها در مثنوی شکل یکسانی ندارند. بسامد عنوان‌های بلند در دفترهای اول تا سوم کم است. از دفتر چهارم عنوان‌های بلند دیده می‌شود. در حقیقت؛ هرچه به انتهای مثنوی نزدیک می‌شویم. این عنوان‌ها بلند و بلندتر می‌شوند. اوج عنوان‌های بلند، در دفتر پنجم است. ما این عنوان‌ها را از نظر کوتاهی و بلندی بررسی کردیم و نتیجه را جهت اختصار، به صورت نمودار نشان دادیم که به

صورت زیر است:



در برخی از حکایت‌ها، مولوی یک بار حکایت و داستان را به نثر بیان می‌کند و بعد به نظم بازگو می‌کند. در عناوین مثنوی، ویژگی‌های زبانی مولوی دیده می‌شود. در حقیقت این مطالب چنان عالمانه و پخته است که جز سخن مولانا

Comment [۱۲۴]: برای اثبات سخنان بالا، از عنوان‌های مثنوی بسامد گرفتیم و نتیجه را به صورت نمودار نشان دادیم. (طبق نظر داور گرامی، برای این که سخنان نویسندگان در حد ادعا باقی نماند)

نمی‌تواند باشد. به‌طورکلی، عنوان‌های مثنوی عنوان‌های عالمانه، پخته و زیبایی هستند و در تمام کتاب‌های منظوم فارسی، عنوان‌های هیچ کتابی، از نظر بلندی با آن برابری نمی‌کند. می‌توان گفت که شاعر فضا را برای مخاطبانش آماده می‌کرده است. مانند: «در معنی آن‌که، آنچه ولی کند، مرید را نشاید گستاخی کردن و همان فعل کردن که حلوا طیب را زیان ندارد؛ اما بیمار را زیان دارد و سرما و برف انگور رسیده را زیان ندارد؛ اما غوره را زیان دارد که در راه است که لِيَغْفِرْ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ

گر ولی زهری خورد، نوشی شود / ور خورد طالب، سیه هوشی شود // «رب هب لی»، از سلیمان آمده‌ست / که: مده غیر مرا این ملک و دست // تو ممکن با غیر من این لطف وجود / این حسد را ماند، اما آن نبود // ...» (مثنوی، ۱۳۷۱: ۶۵۶).

نمونه دیگر: «حکایت آن پادشاهزاده کی پادشاهی حقیقی به وی روی نمود، یومَ یفِرُّ أَلْمَرَّةَ مِنْ أَخِيهِ وَ امِهِ وَ ابِيهِ نَقْدَ وَ قَتِ او شد. پادشاهی این خاک تودهٔ کودک طبعان کی قلعه‌گیری نام کنند، آن کودک کی چیره آید؛ بر سر خاک توده برآید و لاف زند زندگی، قلعه مراست کودکان دیگر بر وی رشک برند کی الترابُ ربيعُ الصبيان، آن پادشاهزاده چو از قید رنگ‌ها برست گفت: من این خاک‌های رنگین را همان خاک دون می‌گویم، زر و اطلس و اکسون نمی‌گویم. من از این اکسون رستم به یک سون رفتم و آتینا الحُكْمَ صبِيا ارشاد حق را، سال‌ها حاجت نیست. در قدرت کن فیکن، هیچ کس سخن قابلیت نگوید.

پادشاهی داشت یک برنا پسر / باطن و ظاهر مزین از هنر // خواب دید او کان پسر ناگه بمرد / صافی عالم بر آن شه گشت درد // خشک شد از تاب آتش مشک او / که نماند از تف آتش اشک او // ...» (همان: ۶۶۷).

۵-۳-۲- عنوان مثنوی‌های جامی

از شاعران دیگر هم که این روش را در عنوان‌های خود به کار گرفته است؛ می‌توان عبدالرحمان جامی را نام برد. عنوان‌های جامی نیز مزین به آیات و احادیث، جمله‌های موزون، جمله‌های عربی و عبارات مسجع و مرصع است. این شاعر در تمامی مثنوی‌هایش عنوان‌های زیبا و عالمانه و فاضلانه دارد. برای نمونه، از خردنامهٔ اسکندری: «مناجات در اظهار افتادگی عجز و پیری و به پایمردی عنایت استدعای دستگیری» (جامی، ۱۳۷۰: ۹۱۳)، «در نعت خواجه که دیباچهٔ کمال او کنت و نبیاً و آدم بین الماء و الطین است و روزنامهٔ حال خجسته مأل او انا سید الاولین و الاخرین» (همان: ۹۱۵)، «پایهٔ معراج سخن را بلند ساختن و سخن پایهٔ معراج خواجه پرداختن» (همان: ۹۱۶)، «در دعاء دولت‌خواهی جناب ولایت ارشاد پناهی عبیدالهی لازالت ایام بقائهٔ مَصُونَه عَنْ التَّنَاهِي وَ مَأْمُونَهٔ ۰۹۷۸ من أصابه اللدواهی» (همان: ۹۱۸)، «در مدحت سایهٔ خدای که سایه بودن وی مران حضرت را چون آفتاب بر همه ذرات عالم روشن است لازال ممدود علی مفارق العالمین» (همان: ۹۲۰)، ...

علاوه بر این، عنوان‌های جامی گاهی بسیار بلند هستند. در حقیقت توضیح و فضاسازی برای متن است. برای نمونه در سلسلهٔ الذهب آمده است: «در بیان آن که آدمی کمال و نقصان خود را نمی‌داند، زیرا که او مخلوق از برای خود

Comment [۱۲۴]: عنوان مثنوی‌های جامی، از نظر ساختاری به عنوان‌های مولوی و حدیقه نزدیکند. چون متن مثنوی‌های جامی هم حکمی و عرفانی است. باید گفت عنوان کتاب‌های حکمی و عرفانی با عنوان مثنوی‌های داستانی با هم متفاوت هستند و این تفاوت در عنوان‌ها هم دیده می‌شود.

نیست، بلکه از برای غیر خودست. فَأَلَدَى خَلَقِهِ إِنَّمَا خَلَقَهُ أَنْفُسِهِ لِأَلِهِ فَمَا أَعْطَاهُ إِلَّا مَا يُصْلِحُ أَنْ يَكُونَ لَهُ تَعَالَى فَلَوْ عَلَّمَ أَنَّهُ مَخْلُوقٌ لِرَبِّهِ لَعَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ عَلَى أَكْمَلِ صُورَةٍ تُصْلِحُ لِرَبِّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ.

آدمی را همیشه معتقد است / کو مگر آفریده بهر خودست // هرچه او را فتد مناسب حال / داندش از قبیل خیر و کمال // و آن چه پندارش منافی آن / داردش از مقوله نقصان // ... (همان: ۲۳۸).

جامی برای یک متن دوازده بیتی، عنوان مبسوطی مانند زیر آورده است:

«پیغام فرستادن سلطان محمود به پادشاه روم که اگرچه من بنده زاده‌ام، اما قرار مملکت برین وجه داده‌ام که هیچ قوی‌بازو را مجال آن نمانده است که دست تطاول به مال ضعیفی دراز کند و اگر ناگاه درازدستی واقع شود، به موجب فرموده من بود و انصاف دادن پادشاه روم که هرکس را دست ضبط و سیاست چنین بالا بود، می‌شاید که همه زبردستان زبردست او باشند.

شاه غزنین چو واقفی ز علوم / کرد تعیین باج‌خواهی روم // گفت با او که گر کنند سؤال / از تو آن صاحبان جاه و جلال // که بود بنده‌زاده محمود / این خیال از کجاش روی نمود // ... (همان: ۲۶۶)

گاهی حتی کل حکایت و قصه را به نثر در عنوان می‌آورد، سپس همان را به نظم بیان می‌کند. گویا در این کار به مثنوی مولانا نظر داشته است. مانند: «شیخ شمس الدین تبریزی شیخ اوحدالدین کرمانی را قدس الله اسرارهما را دید که در هنگام‌های دمشق می‌گردد. از وی پرسید که در چه کاری؟ گفت: آفتاب را در طشت آب می‌بینم. گفت: اگر بر قفا دمل نداری، چرا بر آسمانش نمی‌بینی؟!»

شمس تبریز دید کاوحد دین / کرده نظاره بتان آیین // در دمشق از هوای غمزه زنان / گرد هنگام‌هاست طوف‌کنان // ... (همان: ۲۰۵).

از شاعران متأخر که عنوان‌های موزون و مقفی و بلند دارد، می‌توان ملا احمد فاضل نراقی، عالم دوره قاجار را نام برد. مثنوی «تاق‌دیس» او، شامل قصص و داستان‌های عرفانی و اخلاقی و تربیتی و به سبک مثنوی است. عنوان‌های این مثنوی از این قرارند: «بسم الله الرحمن الرحيم» (نراقی، ۱۳۶۲: ۲۷)، «حدیث قدسی: مَنْ تَقَرَّبَ إِلَى شَيْبَرًا تَقَرَّبَتْ إِلَيْهِ ذُرَاعًا وَمَنْ تَقَرَّبَ إِلَى ذُرَاعًا تَقَرَّبَتْ إِلَيْهِ بَاعًا» (همان: ۲۸)، «حدیث: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً» (همان: ۳۴)، «امر الهی به ملائکه به سجده حضرت آدم و معنی عبودیت و وظیفه آن» (همان: ۳۶)، «تمرد شیطان از آدم» (همان: ۳۷)، ...

نتیجه

عنوان کتاب‌ها چه کتاب‌های منظوم و چه مثنوی، در طول زمان تغییرات اساسی داشته است. عنوان در برخی از زمان‌ها کوتاه و ساده و بدون آرایه و در برخی زمان‌های دیگر متکلف و مسجع و سرشار از آرایه‌های ادبی بوده است. هم‌چنین، از نظر کوتاهی و بلندی عنوان؛ می‌توان گفت، عنوان‌ها در سده‌های نخستین یعنی قرن چهارم و پنجم کوتاه و بدون مسجع و عاری از آرایه‌های ادبی بوده است و هرچه به قرن‌های ششم و هفتم و هشتم نزدیک می‌شویم؛ عنوان‌ها

طولانی‌تر و نیز مسجع می‌شود. در بیان کلی‌تر، عنوان‌گذاری در هر دوره‌ای متفاوت از دوره قبل بوده است و هرچه به زمان حال نزدیک می‌شویم، عنوان‌گذاری با شیوه درست‌تر و با دقت و وسواس بیش‌تری انجام گرفته است. عنوان در قدیم‌ترین کتاب‌های فارسی که به دست ما رسیده است، وجود دارد. این در صورتی‌ست که شاعران سروده‌های خود را نام‌گذاری نمی‌کردند. اغلب، ناسخان و مصححان قصیده‌ها و قطعه‌ها را نام‌گذاری می‌کردند. با این حال، برخی از قصیده‌ها، دارای عنوان‌های زیبا و هنری هستند. مانند عنوان سروده‌های خاقانی. اما، غزلیات در تمام ادوار شعر فارسی تا شعر معاصر بدون عنوان هستند. شاعران در گذشته، سروده‌های خود را به روش‌های مختلفی نام‌گذاری می‌کردند. از جمله؛ بر اساس مصراع اول، بر اساس قافیه، بر اساس ردیف، بر اساس مضمون و محتوا، بر اساس ساختار، بر اساس مکان سرودن، بر اساس زمان سرودن.

عنوان، در همه مثنوی‌ها وجود دارد. این عنوان‌ها را یا خود نویسنده یا ناسخان می‌نوشتند. عنوان در مثنوی‌های قرون اولیه شعر فارسی، ساده و کوتاه است و هر چه به قرن‌های بعد، یعنی قرن‌های نه و ده، نزدیک می‌شویم؛ این عنوان‌ها بلند و بلندتر می‌شوند. برخی از این مثنوی‌ها دارای عنوان‌هایی متفاوت از دیگر مثنوی‌هاست. از جمله عنوان‌های حدیقه سنایی، متفاوت از هر مثنوی دیگر مثنوی مولاناست که از نظر بلندی، عنوان هیچ مثنوی به پای آن نمی‌رسد. بعد از آن مثنوی‌های جامی، بسیار مسجع و موزون و با عبارات عربی و مفاهیم عرفانی همراه است. آخرین مثنوی به این روش، که دارای عنوان‌های آهنگین است؛ مثنوی تاق‌دیس از احمد نراقی است.

پانوش‌ها

۱. اخوت معادل این عنوان‌ها (سرعنوانی) که در آثار کلاسیک فارسی وجود دارد، در غرب سرآغاز (incipit) – (incipit) می‌داند. «سرآغاز ... در اصل عبارت و یا جمله‌ای بود که متنی را معرفی می‌کرد و متن با آن شروع می‌شد. عبارتهایی نظیر دانای بزرگ زمانه، چنین گوید و یا پیغمبر بزرگ ما عیسا مسیح گفت. سرآغاز در بسیاری موارد نقش عنوان را به عهده داشت، زیرا در دوران باستان عنوان چندان معمول نبود» (اخوت، ۱۳۷۱: ۲۳۳ – ۲۳۲).

فهرست منابع

- ۱- اخوت، احمد (۱۳۷۱): دستور زبان داستان، چاپ اول، اصفهان، نشر فردا.
- ۲- اسعد گرگانی، فخرالدین (۱۳۴۹): ویس و رامین، تصحیح ماگالی تودوا – الکساندر گواخاریا، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۳- امیر معزی (۱۳۶۲): کلیات دیوان، با مقدمه و تصحیح ناصر هیری، تهران: نشر مرزبان.
- ۴- بخیت، فاطمه (۱۳۹۲): بررسی تطبیقی دلالت «عنوان» در شعر شش شاعر فارسی و عربی معاصر (نیما، شفیعی کدکنی، سیاب، مقال و درویش)، سعید بزرگ بیگدلی، دانشگاه تربیت مدرس: تهران.
- ۵- بهبهانی، سمین (۱۳۸۲): دیوان اشعار، تهران: انتشارات نگاه.
- ۶- بیگ‌دلی آذری، محمد علی (۱۳۸۰): دیوان اشعار، مقدمه دکتر مظاهر مصفا، تهران: انتشارات سنایی.

- ۷- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۸۰): تاریخ بیهقی، بر اساس نسخه دکتر فیاض و نسخه «ادیب پیشاوری» و نسخه «غنی - فیاض»، مقدمه، توضیحات، تعلیقات و فهارس از منوچهر پژوه، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات هیرمند.
- ۸- بلعابد، عبدالحق (۲۰۰۸): عتبات جبرار جینت من النص إلى المناص، تقديم، ط ۱، سعید یقطین، الجزائر العاصمة، منشوراة الإختلاف.
- ۹- تأثیر تبریزی، محسن (۱۳۷۳): دیوان اشعار، تصحیح دکتر امین پاشا اجاللی، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۰- جامی، عبدالرحمان (۱۳۷۰): مثنوی هفت اورنگ، به تصحیح و مقدمه آقا مرتضی مدرس گیلانی، چاپ ششم، تهران: انتشارات ناصر خسرو
- ۱۱- جباره محمدعلی، م.م. کوثر (۲۰۱۳): «عتبة العنوان فی قصص فرج یاسین القصيرة جداً - دراسة فی بنيتها التركيبية»، مجلة كلية التربية الاساسية، جامعه بابل، حزيران، العدد ۱۲.
- ۱۲- جبلی، عبدالواسع (۱۳۶۱): دیوان اشعار، به کوشش ذبیح الله صفا، چاپ سوم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۱۳- حلیفی، شعیب (۱۹۹۶): هوية العلامة فی العتابة و بناء التأویل، ط ۱: دار الثقافة الدار البيضاء.
- ۱۴- حمداوی، جمیل (۱۹۹۷): «السيموطيقا و العونة»، مجلة عالم الفكر، وزارة الثقافة، الكويت، العدد ۳، المجلد ۲۵.
- ۱۵- خالدحسین، حسین (۲۰۰۷): فی نظرية العنوان: مغامرة تأويلية فی شؤون العتابة النصية، دمشق: دار التكوين للتأليف و الترجمة و النشر
- ۱۶- خاقانی شروانی (۱۳۳۸): دیوان شعار، تصحیح و مقدمه و تعلیقات: دکتر ضیاءالدين سجادی، تهران: زوار.
- ۱۷- خواجهی کرمانی (۱۳۷۰): همای و همایون، با تصحیح کمال عینی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۱۸- خواجهی کرمانی (۱۳۵۰): گل و نوروز، با تصحیح کمال عینی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۹- داوری شیرازی (۱۳۷۰): دیوان داوری شیرازی به اهتمام نورانی وصال، چاپ اول، تهران: چاپ احمدی.
- ۲۰- ربیع نتایج، سید علی اکبر (۱۳۸۸): «مبانی نامگذاری سورهها در قرآن»، مجلة زبان و علوم قرآن، شماره ۵ و ۶، سال دوم، بهار.
- ۲۱- رحیم، عبدالقادر (۲۰۱۰)، علم العنوية دراسة تطبيقية، دمشق، دارالتكوين للتأليف و الترجمة و النشر.
- ۲۲- رحیم، عبدالقادر (۲۰۰۸): «العنوان فی النص الإبداعي، اهميته و أنواعه»، قسم الأدب العربي، جامعه محمد خيضر، بسكرة (الجزائر).
- ۲۳- سعدي، مصلح الدين (۱۳۶۹): کلیات سعدي، به اهتمام محمد علی فروغی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۲۴- سلمان ساوجی (۱۳۴۸): جمشید و خورشید؛ به اهتمام ج. پ. آسموسن، فریدون وهمن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- ۲۵- سنایی غزنوی (۱۳۵۴): دیوان حکیم سنایی غزنوی، با مقدمه و حواشی و فهرست، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران: انتشارات سنایی.
- ۲۶- سنایی غزنوی (۱۳۶۸): حدیقة الحقیقه؛ تصحیح و تحشیه از مدرس رضوی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۲۷- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۶): زمینه اجتماعی شعر فارسی، چاپ اول، تهران: نشر زمانه و اختران.
- ۲۸- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۳): ادوار شعر فارسی، تهران: سخن.
- ۲۹- شهریار، محمد حسین (۱۳۸۶): دیوان اشعار، چاپ سی ام، تهران: انتشارات نگاه.
- ۳۰- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۱): تاریخ ادبیات در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۱- عروزی سمرقندی، احمد بن عمر (۱۳۷۲): چهار مقاله، تصحیح علامه محمد قزوینی، شرح لغات به اهتمام محمد معین، چاپ اول، تهران: انتشارات دیبا.
- ۳۲- عصار تبریزی (۱۳۷۵): مهر و مشتری (عشق نامه)، مقدمه، تصحیح، توضیحات و تعلیقات دکتر رضا مصطفوی سبزواری، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۳۳- عویس، محمد (۱۹۸۸): العنوان فی الأدب العربی (النشأة و التطور)، مصر: مكتبة الانجلو المصریه.
- ۳۴- فاضل نراقی (۱۳۶۲): مثنوی تاقدیس، به همراه منتخبی از غزلیات عالم ربانی، به اهتمام حسن نراقی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۳۵- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶): شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، چاپ دوم، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ۳۶- فقیر دهلوی، میر شمس الدین (۱۳۵۴): واله و سلطان، به کوشش مهردخت برومند، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۳۷- فکری الجزار، محمد (۲۰۰۱): لسانیات الاختلاف (الخصائص الجمالیة السئویات بناء النص فی شعر الحدائفة)، مصر: ایتراک للطباعة و النشر و التوزیع، مصر الجدیفة.
- ۳۸- گرجی، مصطفی و افسانه میری (۱۳۸۸): «بررسی و تحلیل نام‌های اشعار قیصرامین پور» جستارهای ادبی، مجله علمی - پژوهشی، شماره ۱۶۷، زمستان، برگ‌های (۱۴۳ - ۷۹).
- ۳۹- مداس، احمد (۱۹۸۸): لسانیات النصّ نحو منہج لتحلیل الخطاب الشعری، اردن: جدار الكتاب، عالم الكتب.
- ۴۰- مولانا، جلال الدین محمد (۱۳۷۱): مثنوی معنوی، مطابق با نسخه تصحیح شده رینولد نیکلسن، تهران: انتشارات نگاه و نشر علم.
- ۴۱- نظامی گنجوی (۱۳۷۰): مخزن الاسرار، احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴۲- النرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر (۱۳۶۳): تاریخ بخارا، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، تهران، توس.

۴۳- نظامی گنجوی (۱۳۶۹): لیلی و مجنون، به تصحیح برات زنجانی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ تهران.

۴۴- نیشابوری، عطار (۱۳۸۳): منطق الطیر؛ مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.

۴۵- یحیوی، رشید (۱۹۹۸): الشعر العربی الحدیث دراسة فی المنجز النصی، بیروت: افریقیا شرق.

46- Genette Gerard (1982): seuils, ed. Du seuil. Paris.

47- Hock H.Leo (1973): la marque du titre, dispositifs sémiotiques d'une pratique textuelle, Mouton publishers, the hague, Newyork: paris.